

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## #خطبه\_اول

فَمِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
از خطبه های آن حضرت است  
يَذْكُرُ فِيهَا ابْتِدَاءَ خَلْقِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَخَلْقِ آدَمَ، وَفِيهَا ذِكْرُ الْحَجِّ  
که در آن ابتدای آفرینش آسمان و زمین و آدم را توضیح می دهد و یادی از حج  
می کند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ، وَ لَا يُحْصَى نِعْمَاهُ  
خدای را سپاس که گویندگان به عرصه ستایشش نمی رسند، و شماره گران از  
عهده شمردن

الْعَادُونَ، وَ لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، الَّذِي لَا يُذَكِّرُهُ بُعْدُ الْهِمَمِ،  
نعمتهایش برنمایند، و کوشندگان حقش را ادا نکنند، خدایی که اندیشه های بلند  
او را درک ننمایند،

وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ، الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَ لَا نَعْتُ  
و هوش های ژرف به حقیقتش دست نیابند، خدایی که اوصافش در چهارچوب  
حدود نگنجد، و به ظرف وصف

مَوْجُودٌ، وَ لَا وَقْتُ مَعْدُودٌ، وَ لَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ. فَطَرَ الْخَلَائِقَ  
درنیايد، و در مدار وقت معدود، و مدت محدود قرار نگیرد. با قدرتش خلائق را  
بِقُدْرَتِهِ، وَ نَشَرَ الرِّيحَ بِرَحْمَتِهِ، وَ وَتَدَ الصُّخُورَ مِيدَانِ أَرْضِهِ  
آفرید، و با رحمتش بادهای را وزیدن داد، و اضطراب زمینش را با کوهها مهار نمود

أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ

أَعَاذَ دِينَ شَنَاخْتِ أَوْسْت، وَ كَمَالُ شَنَاخْتِش بَاوَرِ كَرْدَنِ اَو، وَ نِهَايَتِ اَزِ بَاوَرِ كَرْدَنِش

بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ، وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ

يَغَانَهُ دَانَسْتَنِ اَو، وَ غَايَتِ يَغَانَهُ دَانَسْتَنِ اَخْلَاصِ بِهِ اَو، وَ حَدِّ اَعْلَايِ اَخْلَاصِ بِهِ اَو

نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ، وَ شَهَادَةُ

نَفْيِ صِفَاتِ (زَائِدِ بَرِ ذَاتِ) اَزِ اَوْسْت، چِه اَيْنَكِه هِرِ صِفَتِي گَوَاهِ اَيْنِ اَسْتِ كِه غَيْرِ

مَوْصُوفِ اَسْت، وَ هِرِ مَوْصُوفِي شَاهِدِ

كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ. فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَقَدْ قَرَنَهُ،

بِرِ اَيْنِ اَسْتِ كِه غَيْرِ صِفَتِ اَسْت. پَسِ هِرِ كَسِ خُدَايِ سُبْحَانِ رَا بَا صِفَتِي وَصَفِ

كُنْدِ اَوِ رَا بَا قَرِينِي پِيُونْدِ دَادِه،

وَ مَنْ قَرَنَهُ فَقَدْ ثَنَاهُ، وَ مَنْ ثَنَاهُ فَقَدْ جَزَّاهُ، وَ مَنْ

وَ هِرَكِه اَوِ رَا بَا قَرِينِي پِيُونْدِ دِهْدِ دَوَتَايشِ اَنگَاشْتِه، وَ هِرَكِه دَوَتَايشِ اَنگَارْدِ دَارَايِ

اَجَزَايشِ دَانَسْتِه، وَ هِرَكِه اَوِ رَا دَارَايِ

جَزَّاهُ فَقَدْ جَهَّلَهُ، وَ مَنْ جَهَّلَهُ فَقَدْ أَشَارَ إِلَيْهِ، وَ مَنْ أَشَارَ

اَجْزَاءِ بَدَانْدِ حَقِيقَتِ اَوِ رَا نَفْهَمِيدِه، وَ هِرِ كِه حَقِيقَتِ اَوِ رَا نَفْهَمِيدِ بَرَايشِ جِهْتِ

اَشَارِه پِنْدَاشْتِه، وَ هِرِ كِه بَرَايِ اَوِ

إِلَيْهِ فَقَدْ حَدَّثَهُ، وَ مَنْ حَدَّثَهُ فَقَدْ عَدَّهُ،

جِهْتِ اَشَارِه پِنْدَارْدِ مَحْدُودِشِ بِه حَسَابِ اُورْدِه، وَ هِرَكِه مَحْدُودِشِ بَدَانْدِ چُونِ

مَعْدُودِ بِه شِمَارِه اَشِ اُورْدِه،

وَ مَنْ قَالَ: فِيمَ؟ فَقَدْ ضَمَّنَهُ، وَ مَنْ قَالَ: عَلَامَ؟ فَقَدْ أَخْلَى مِنْهُ

وَ كَسِي كِه گَوِيد: دَرِچِيسْت؟ حَضْرَتِشِ رَا دَرِضْمَنِ چِيزِي دَرَاوَرْدِه،

وَ اَن كِه گَفْت: بَرِ فَرَا زِچِيسْت؟ اَن رَا خَالِي اَزِ اَوِ تَصَوُّرِ كَرْدِه

كَائِنْ لَا عَنْ حَدَثٍ، مَوْجُودٌ لَا عَنْ عَدَمٍ، مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُقَارَنَةٍ،

ازلی است و چیزی بر او پیشی نجسته، و نیستی بر هستی اش مقدم نبوده، با هر

چیزی است ولی منهای پیوستگی با آن،

و غَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُزَايَلَةٍ، فَاعِلٌ لَا بِمَعْنَى الْحَرَكَاتِ

و غیر هر چیزی است اما بدون دوری از آن، پدیدآورنده موجودات است بی آنکه

حرکتی کند و نیازمند

و الْأَلَهُ، بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ، مُتَوَحِّدٌ إِذْ لَا سَكَنَ

به کارگیری ابزار و وسیله باشد، بیناست بدون احتیاج به منظر گاهی از

آفریده‌هایش، یگانه است چرا که او را مونسی

يَسْتَأْنِسُ بِهِ وَ لَا يَسْتَوْحِشُ لِفَقْدِهِ

نبوده تا به آن انس گیرد و از فقدان آن دچار وحشت شود.

### آفرینش جهان

أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِنْشَاءً، وَابْتَدَأَهُ ابْتِدَاءً، بِالْأَرْوَاحِ أَجَالَهَا،

بی سابقه ماده و مواد مخلوقات را لباس هستی پوشاند، و آفرینش را آغاز کرد،

بدون به کارگیری اندیشه

وَلَا تَجْرِبَةً اسْتِفَادَهَا، وَلَا حَرَكَهَ أَخَذَتْهَا، وَلَا هِمَامَةً نَفْسَ

و سود جستن از تجربه و آزمایش، و بدون آنکه حرکتی از خود پدید آورده، و فکر

و خیالی که تردید

اضْطَرَبَ فِيهَا. أَحَالَ الْأَشْيَاءَ لِأَوْقَاتِهَا، وَ لَاءَمَ بَيْنَ

و اضطراب در آن روا دارد. موجودات را پس از بهوجود آمدن به مدار

اوقاتشان تحویل داد، و بین اشیاء گوناگون ارتباط و

مُخْتَلِفَاتِهَا، وَ غَرَزَ غَرَائِزَهَا، وَ أَلَزَمَهَا أَشْبَاحَهَا، عَالِمًا بِهَا قَبْلَ

هماهنگی برقرار کرد، ذات هر یک را اثر و طبیعتی معین داد، و آن اثر را لازمه

وجود او نمود، در حالی که به تمام

اَبْدَائِهَا، مُحِيطاً بِحُدُودِهَا وَ اَنْتِهَائِهَا، عَارِفاً بِقَرَائِنِهَا وَ اَخْنَائِهَا

اشیاء پیش از بهوجود آمدنشان دانا، و به حدود و انجام کارشان محیط و آگاه، و

به اجزا و جوانب همه آنها آگاهوآشنا بود

ثُمَّ اَنْشَأَ سُبْحَانَهُ فَتَقَّ الْأَجْوَاءَ، وَ شَقَّ الْأَرْجَاءَ، وَ سَكَّائِكَ الْهَوَاءَ

سپس خدای سبحان جَوها را شکافت، و اطراف آن را بازگشود، و فضاهاى خالى را

در آن ایجاد کرد

فَأَجْرَى فِيهَا مَاءً مُتَلَاظِمًا تَيَّارُهُ، مُتْرَاكِمًا زَخَّارُهُ. حَمَلَهُ عَلَى مَتْنِ

آن گاه آبی را که امواجش درهم شکننده، و خود انبوه و متراکم بود در آن فضای

باز شده روان نمود. آن را بر پشت

الرَّيْحِ الْعَاصِفَةِ، وَ الزَّغْزَعِ الْقَاصِفَةِ، فَأَمَرَهَا بِرَدِّهِ،

بادی سخت وزان و جنباننده و برکننده و شکننده بار کرد، به آن باد فرمود تا آب را

از جریان بازدارد،

وَ سَلَّطَهَا عَلَى شَدِّهِ، وَ قَرَّنَهَا إِلَى حَدِّهِ. الْهَوَاءُ مِنْ

و آن را بر نگهداری آب تسلط داد، و باد را برای حفظ حدود و جوانب آب قرین

گماشت. فضا در زیر باد

تَحْتِهَا فَتِيقٌ، وَ الْمَاءُ مِنْ فَوْقِهَا دَفِيقٌ. ثُمَّ اَنْشَأَ سُبْحَانَهُ رِيحاً

نیرومند گشاده و باز، و آب جهنده بالای سر آن در جریان. سپس باد دیگری

بهوجود آورد

اعْتَقَمَ مَهَبَّهَا، وَ اَدَامَ مَرَبَّهَا، وَ اغْصَفَ مَجْرَاهَا، وَ اَبْعَدَ مَنْشَاهَا،

که منشأ وزش آن را مهار کرد، و پیوسته ملازم تحریک آبش قرارداد، و آن را

به تندى وزانید، و از جای دورش برانگیخت،

فَأَمَرَهَا بِتَصْفِيقِ الْمَاءِ الزَّخَّارِ، وَ إِثَارَةِ مَوْجِ الْبَحَارِ،

آن را به برهم زدن آب متراکم، و برانگیختن امواج دریا فرمان داد

فَمَخَضَتْهُ مَخْضَ السَّقَاءِ، وَ عَصَفَتْ بِهِ عَصْفَهَا

باد فرمان گرفته آب را همچون مشک شیرکه برای گرفتن کره بجنبانند

به حرکت آورد، و آن گونه که در فضای خالی

بِالْفَضَاءِ، تَرَدُّ أَوَّلَهُ إِلَى آخِرِهِ، وَ سَاجِيَهُ إِلَى مَائِرِهِ، حَتَّى عَبَّ

می‌وزد بر آن سخت وزید، اولش را به آخرش، و ساکنش را به متحرکش

برمی گرداند، تا آنکه انبوهی از آب

عُبَابُهُ، وَ رَمَى بِالزَّبَدِ رُكَامَهُ، فَرَفَعَهُ فِي هَوَاءٍ مُنْفَتِقٍ،

به ارتفاع زیادی بالا آمد، و آن مایه متراکم کف کرد، آن گاه خداوند آن کف را در

هوای گشاده

وَ جَوٍّ مُنْفَتِقٍ، فَسَوَّى مِنْهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ، جَعَلَ سُفْلَاهُنَّ مَوْجًا

و فضای فراخ بالا برد، و آسمانهای هفتگانه را از آن کف ساخت، پایین ترین

آسمان را به صورت موجی

مَكْفُوفًا، وَ عَلَيَاهُنَّ سَقْفًا مَحْفُوظًا، وَ سَمَكًا مَرْفُوعًا،

نگاه داشته شده، و بالاترین آن را به صورت سقفی محفوظ و طاقی برافراشته

قرار داد،

بِغَيْرِ عَمَدٍ يَدْعُمُهَا، وَ لَا دِسَارٍ يَنْظِمُهَا. ثُمَّ زَيَّنَّهَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ،

بدون ستونی که آنها را برپا دارد، و بی میخ و طنابی که نظام آنها را حفظ کند.

آن گاه آسمان را به زیور ستارگان

وَ ضِيَاءِ الثَّوَابِقِ، وَ أَجْرَى فِيهَا سِرَاجًا مُسْتَطِيرًا، وَ قَمَرًا مُنِيرًا،

و روشنی کواکب درخشان آرایش داد، و آفتاب فروزان و ماه درخشان را

فِي فَلَكٍ دَائِرٍ، وَ سَفْفٍ سَائِرٍ، وَ رَقِيمٍ مَائِرٍ.  
در آن که فلکی گردان و سقفی روان و صفحه ای جنبان بود روان ساخت

### آفرینش فرشتگان

ثُمَّ فَتَقَ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا، فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَتِهِ

سپس میان آسمانهای بلند را از هم گشود، و از فرشتگان مختلف خود پر کرد

مِنْهُمْ سُجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ، وَ رُكُوعٌ لَا يَتَّصِبُونَ، وَ صَافُونَ

گروهی در سجده اند و آنان را رکوعی نیست، برخی در رکوعند بدون قدرت بر

قیام، و عده ای بدون

لَا يَتَزَايِلُونَ، وَ مُسَبِّحُونَ لَا يَسَامُونَ، لَا يَغْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ،

حرکت از جای خود در حال قیامند، و شماری منهای ملالت و خستگی در

تسبیح اند، خواب در دیده،

وَ لَا سَهْوُ الْعُقُولِ، وَ لَا فِتْرَةُ الْأَبْدَانِ، وَ لَا غَفْلَةُ النَّسِيَانِ. وَ مِنْهُمْ

بیهوشی در عقل، سستی در کالبد، و غفلت فراموشی به آنان راه ندارد. و برخی

أَمْنَاءٌ عَلَى وَحْيِهِ، وَ أَلْسِنُهُ إِلَى رُسُلِهِ، وَ مُخْتَلِفُونَ بِقَضَائِهِ وَ أَمْرِهِ

امین وحی خداوند، و زبان گویا به سوی پیامبران، و واسطه اجرای حکم و امر

حق اند

وَ مِنْهُمْ الْحَفَظَةُ لِعِبَادِهِ، وَ السَّدَنَةُ لِأَبْوَابِ جَنَانِهِ. وَ مِنْهُمْ الثَّابِتَةُ فِي

گروهی محافظان بندگان از حوادث، و دربانان درهای بهشتیانند. بعضی

الْأَرْضِينَ السُّفْلَى أَقْدَامُهُمْ، وَ الْمَارِقَةُ مِنَ السَّمَاءِ الْعُلْيَا أَعْنَاقُهُمْ،

قدمهایی ثابت در قعر زمینها، و گردن هایی بالاتر از برترین آسمان،

وَ الْخَارِجَةُ مِنَ الْأَقْطَارِ أَرْكَانُهُمْ، وَ الْمُنَاسِبَةُ لِقَوَائِمِ الْعَرْشِ أَكْتَافُهُمْ،

و هیکل هایی از پهندهشت هستی گسترده تر، و دوشهایی مناسب پایه های عرش

دارند،

نَاكِسَهُ دُونَهُ أَبْصَارُهُمْ، مُتَلَفَعُونَ تَحْتَهُ بِأَجْنِحَتِهِمْ، مَضْرُوبَهُ بَيْنَهُمْ

دیدگان‌شان در برابر عظمت عرش به زیر افتاده، و در زیر آن جایگاه در بالهای

خود پیچیده اند، بین آنان

و بَيْنَ مَنْ دُونَهُمْ حُجُبُ الْعِزَّةِ وَ أَسْتَارُ الْقُدْرَةِ، لَا يَتَوَهَّمُونَ رَبَّهُمْ

و موجودات مادون‌شان حجاب‌هایی از عزت و پرده‌هایی از قدرت افکنده شده، در

خیال خود برای خداوند

بِالتَّصْوِيرِ، وَ لَا يُجْرُونَ عَلَيْهِ صِفَاتِ الْمَصْنُوعِينَ، وَ لَا يَحْدُونَهُ

صورتی تصویر نمایند، و صفات او را چون اوصاف مخلوقات نینگارند، و به اماکن

محدودش

بِالْأَمَاكِنِ، وَ لَا يُشِيرُونَ إِلَيْهِ بِالنَّظَائِرِ

نسازند، و او را به همانند و امثال اشاره نکنند

مِنْهَا فِي صِفَةِ خَلْقِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قسمتی از این خطبه در وصف آفرینش آدم(ع)

ثُمَّ جَمَعَ سُبْحَانَهُ مِنْ حَزْنِ الْأَرْضِ وَ سَهْلِهَا، وَ عَذْبِهَا وَ سَبْخِهَا،

سپس خداوند سبحان از قسمت‌های سخت و نرم و شیرین و شور زمین خاکی را

جمع کرد

تُرَبَّهُ سَنَّهُا بِالْمَاءِ حَتَّى خَلَصَتْ، وَ لَا طَهَّا بِالْبَلَّةِ حَتَّى لَزُبَتْ،

و بر آن آب پاشید تا پاک و خالص شد، آن گاه آن ماده خالص را با رطوبت آب

به صورت گل چسبنده درآورد،

فَجَبَلَ مِنْهَا صُورَةً ذَاتَ أَخْنَاءَ وَ وُصُولَ، وَ أَعْضَاءَ وَ فُصُولَ

سپس از آن گل صورتی پدید کرد دارای جوانب گوناگون و پیوستگی‌ها، و اعضای

مختلفه و گسیختگی‌ها

أَجْمَدَهَا حَتَّى اسْتَمْسَكَتْ، وَ أَصْلَدَهَا حَتَّى صَلَصَلَتْ،

آن صورت را خشکاند تا خود را گرفت، و محکم و نرم ساخت تا خشک و سفالین شد،

لَوْقَت مَعْدُود، وَ أَجَلَ مَعْلُوم. ثُمَّ نَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ فَمَثَلَتْ

و او را تا زمان معین و وقت مقرر به حال خود گذاشت. سپس از دم خود بر آن ماده شکل گرفته دمید

إِنْسَانًا ذَا أَذْهَانٍ يُجِيلُهَا، وَ فِكْرٍ يَتَصَرَّفُ بِهَا، وَ جَوَارِحَ

تا به صورت انسانی زنده درآمد دارای اذهان و افکاری که در جهت نظام حیاتش به کار گیرد، و اعضایی

يَخْتَدِمُهَا، وَ أَدَوَاتٍ يُقَلِّبُهَا، وَ مَعْرِفَةٍ يَفْرُقُ بِهَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

که به خدمت گیرد، و ابزاری که زندگی را بچرخاند، و معرفتش داد تا بین حق و باطل تمیز دهد

وَ الْأَذْوَاقِ وَالْمَشَامِّ وَالْأَلْوَانِ وَ الْأَجْنَاسِ، مَعْجُونًا بِطِينَةِ الْأَلْوَانِ

و مزه ها و بوها و رنگها و جنسهای گوناگون را از هم بازشناسد، در حالی که این موجود معجونی بود

الْمُخْتَلِفَةِ، وَ الْأَشْبَاهِ الْمُؤْتَلِفَةِ، وَ الْأَضْدَادِ الْمُتَعَادِيَةِ، وَ الْأَخْلَاطِ

از طینت رنگهای مختلف، و همسانهایی نظیر هم، و اضدادی مخالف هم، و اخلاطی المتباينة، مِنَ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ، وَ الْبَلَّةِ وَ الْجُمُودِ، وَ الْمَسَاءَةِ

متفاوت با هم، از گرمی و سردی و رطوبت و خشکی و ناخوشی

وَ السُّرُورِ. وَ اسْتَأْدَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةَ وَ دِيعَتَهُ لَدَيْهِمْ، وَ عَهْدَ

و خوشی. از فرشتگان خواست به ادای امانتی که نزد آنان داشت، و وفا به عهده

وَ صَيَّتِهِ إِلَيْهِمْ فِي الْأَدْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ، وَ الْخُشُوعِ لِتَكْرِيمَتِهِ،

که به آنان سفارش کرده بود در انجام سجده بر آدم و فروتنی برای اکرام به او



اقدام نمایند،

فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «اسْجُدُوا لِأَدَمَ. فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» اغْتَرَتْهُ الْحَمِيَّةُ،

در آنوقت به فرشتگان گفت: «بر آدم سجده کنید. همگان سجده کردند جز

ابلیس» که غرور و تکبر او را گرفت،

و غَلَبَتْ عَلَيْهِ الشَّقْوَةُ، وَ تَعَزَّزَ بِخَلْقِهِ النَّارَ، وَ اسْتَهْوَنَ خَلْقَ

و بدبختی بر او چیره شد، و به آفریده شدنش از آتش احساس عزت و برتری

نمود، و بهوجود آمده از خاک

الصَّلَاةِ. فَأَعْطَاهُ اللَّهُ النَّظِرَةَ اسْتِحْقَاقًا لِلْسُّخْطَةِ، وَ اسْتِثْمَامًا

خشکیده را پست و بی مقدار شمرد. خداوند هم او را برای مستحق شدنش به

خشم حق، و به کمال رساندن

لِلْبَلِيَّةِ، وَ أَنْجَازًا لِلْعِدَّةِ، فَقَالَ: «إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ

آزمایش و به انجام رسیدن وعده اش مهلت داد، به او گفت: «تو از کسانی هستی

که تا وقت معین مهلت

الْمَعْلُومِ». ثُمَّ أَسْكَنَ سُبْحَانَهُ أَدَمَ دَاراً أَرْغَدَ فِيهَا عِشَّتَهُ،

در اختیار آنان است». آن گاه آدم را در سرایی که عیشش بی زحمت در اختیار بود

ساکن کرد،

وَ أَمَّنَ فِيهَا مَحَلَّتَهُ، وَ حَذَرَهُ إِبْلِيسَ وَ عِدَاوَتَهُ. فَأَغْتَرَهُ عَدُوُّهُ نَفَاسَةً

و جایگاهش را به امنیت آراست، و او را از ابلیس و دشمنی او ترساند. اما دشمنش

به جایگاه زیبای او

عَلَيْهِ بَدَارِ الْمَقَامِ وَ مُرَافَقَةِ الْأَبْرَارِ. فَبَاعَ الْيَقِينَ بِشَكِّهِ، وَ أَلْعَزِمَهُ

و همنشینی اش با نیکان رشک برد و او را بفریفت. آدم (به وسوسه دشمن) یقین

را به تردید، و عزم محکم را به

بُوهْنِهِ، وَ اسْتَبْدَلَ بِالْجَذَلِ وَجَلًا، وَ بِالْأَغْتِرَارِ نَدَمًا. ثُمَّ بَسَطَ اللَّهُ

دو دلی، و شادی را به ترس جابجا کرد، و ندامت را به خاطر فریب خوردن به جان خرید. آن گاه خداوند سبحان

سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ، وَ لَقَاهُ كَلِمَةً رَحْمَتِهِ، وَ وَعَدَهُ الْمَرَدَّ إِلَى جَنَّتِهِ،  
در توبه را به رویش گشود، و کلمه رحمت را به او تلقین کرد، و بازگشت به بهشت را به او وعده داد،

فَاهْبَطَهُ إِلَى دَارِ الْبَلِيَّةِ، وَ تَنَاسَلَ الذَّرِّيَّةُ.  
سپس او را به این دنیا که محل آزمایش و ازدیاد نسل است فرود آورد

### گزینش پیامبران

وَ اصْطَفَى سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ،  
خداوند سبحان پیامبرانی از فرزندان آدم برگزید که در برنامه وحی، و امانتداری  
در ابلاغ

وَ عَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ، لَمَّا بَدَلَ أَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ،  
رسالت از آنان پیمان گرفت، آن زمان که اکثر انسانها عهد خدا را به امور باطل  
تبدیل نموده،

فَجَهِلُوا حَقَّهُ، وَ اتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ، وَ اجْتَالَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ عَنْ  
و به حق او جهل ورزیدند، و برای او از بتان همتا گرفتند، و شیاطین آنان را از  
معرفت به خداوند

مَعْرِفَتِهِ، وَ اقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ. فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ  
بازداشتند، و رابطه بندگی ایشان را با حق بریدند. پس خداوند رسولانش را  
برانگیخت، و پیامبرانش را به دنبال

أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْأَدُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ،  
هم به سوی آنان گسیل داشت، تا ادای عهد فطرت الهی را از مردم بخواهند، و  
نعمتهای فراموش شده او را به یادشان آرند

وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمُ بِالتَّبْلِيغِ ، وَ يُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ ، وَ يُرَوِّهُمُ

و با ارائه دلایل بر آنان اتمام حجت کنند، و نیروهای پنهان عقول آنان را  
برانگیزانند، و نشانه های الهی

الْآيَاتِ الْمُقَدَّرَةِ: مِنْ سَفَفِ قُوقِهِمْ مَرْفُوع ، وَ مِهَادِ تَحْتِهِمْ

را به آنان بنمایانند: از این بلند آسمان که بر بالای سرشان افراشته، و زمین که  
گهواره زیر پایشان

مَوْضُوع ، وَمَعَايِشَ تُخَيِّبُهُمْ ، وَ أَجَالَ تُفْنِيهِمْ،

نهاده، و معیشت‌هایی که آنان را زنده می دارد، و اجل‌هایی که ایشان را به دست  
مرگ می سپارد،

وَ أَوْصَابَ تُهَرِّمُهُمْ، وَ أَخْدَاثَ تَتَابَعُ عَلَيْهِمْ. وَ لَمْ يُخْلِ سُبْحَانَهُ

و ناگواریهایی که آنان را به پیری می نشاند، و حوادثی که به دنبال هم بر آنان  
هجوم می آورد. خداوند سبحان

.خَلَقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ، أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ، أَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ

بندگان را بدون پیامبر، یا کتاب آسمانی، یا حجتی لازم، یا نشان دادن راه  
روشن رها نساخت

رُسُلٌ لَا تُقَصِّرُ بِهِمْ قِلَّةٌ عَدَدِهِمْ، وَ لَا كَثَرَةُ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ؛ مِنْ سَابِقِ

پیامبرانی که کمی عددشان، و کثرت تکذیب کنندگانشان آنان را از تبلیغ باز  
نداشت؛ از پیامبر گذشته ای که

سُمِّيَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ، أَوْ غَابَ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ. عَلَى ذَلِكَ نُسِلَتِ الْقُرُونُ،

او را از نام پیامبر آینده خبر دادند، و پیامبر آینده ای که پیامبر گذشته او را معرفی  
کرد. بر این منوال قرن‌ها گذشت،

وَ مَضَتِ الدُّهُورُ، وَ سَلَفَتِ الْأَبَاءُ، وَ خَلَفَتِ الْأَبْنَاءُ

-و روزگار سپری شد، پدران درگذشتند و فرزندان جای آنها را گرفتند

### مبعث پیامبر اسلام(ص)

إِلَى أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

تا خداوند محمد رسول الله صلى الله عليه وآله را برای به انجام رساندن

وعدۀ اش،

لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ، وَتَمَامِ نُبُوتِهِ، مَاخُذًا عَلَى النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُ، مَشْهُورَةً

وبه پایان بردن مقام نبوت مبعوث کرد، درحالی که قبولی رسالت او را از تمام

انبیا گرفته بود، نشانه هایش

سِمَاتِهِ، كَرِيماً مِيلَادُهُ. وَ أَهْلُ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ مِلَّةٌ مُتَّفِقَةٌ، وَ أَهْوَاءُ

روشن، و میلادش با عزت و کرامت بود. در آن روزگار اهل زمین مللی پراکنده،

دارای خواسته هایی

مُنْتَشِرَةٌ، وَ طَرَائِقُ مُتَشَتَّتَةٌ، بَيْنَ مُشَبَّهِ لِلَّهِ بِخَلْقِهِ، أَوْ مُلْحَدٍ فِي اسْمِهِ،

متفاوت، و روشهایی مختلف بودند، گروهی خدا را تشبیه به مخلوق کرده، عده ای

در نام او از حق منحرف بوده،

أَوْ مُشِيرٍ إِلَى غَيْرِهِ. فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ

و برخی غیر او را عبادت می نمودند. چنین مردمی را به وسیله پیامبر از گمراهی به

هدایت رساند، و به سبب

مِنَ الْجَهَالَةِ. ثُمَّ اخْتَارَ سُبْحَانَهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِقَاءَهُ،

شخصیت او از چاه جهالت به در آورد. آن گاه لقایش را برای محمد صلى الله عليه

وآله اختیار کرد

وَ رَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ، وَ أَكْرَمَهُ عَنْ دَارِ الدُّنْيَا، وَ رَغِبَ بِهِ عَنْ مُقَارَنَةِ

و جوار خود را برای او پسندید، با فراخواندنش از این دنیا به او اکرام نمود، و برای

او فردوس اعلا را به جای

الْبُلُوَى، فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيماً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

قرین بودن به ابتلائات و سختیها برگزید، و او را کریمانه به سوی خود برد(درود خدا

(بر او و خاندانش باد)

وَ خَلَّفَ فِيكُمْ مَا خَلَّفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّمِهَا،

و آن حضرت (بیهوقت انتقال به آخرت) هر آنچه را انبیاء گذشته در امت خود

به ودیعت نهادند در میان شما به ودیعت نهاد،

إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بَغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ ، وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ

که پیامبران امتها را بدون راه روشن، و نشانه پابرجا، سرگردان و رها

نگذاشتند.

### قرآن و احکام شرعی

كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ، مُبَيَّنًّا حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ، وَ فَرَائِضَهُ وَ فَضَائِلَهُ،

این ودیعت کتاب پروردگارتان در میان شماست، که حلال و حرامش، واجب و

مستحبش،

وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ، وَ رُحْصَهُ وَ عَزَائِمَهُ، وَ خَاصَّهُ وَ عَامَّهُ، وَ عِبْرَهُ

ناسخ و منسوخش، امر آزاد و غیر آزادش، خاص و عامش، پندها و

وَ أَمْثَالَهُ، وَ مُرْسَلَهُ وَ مَحْدُودَهُ، وَ مُحْكَمَهُ وَ مُتَشَابِهَهُ، مُفَسَّرًا

امثالش، مطلق و مقیدش، و محکم و متشابهش را بیان کرد، مبهمش را تفسیر

مُجْمَلَهُ، وَ مُبَيَّنًّا غَوَامِضَهُ، بَيْنَ مَا خُوذَ مِيثَاقٌ فِي عِلْمِهِ،

نمود، و مشکلاتش را توضیح داد. برابر با پیمانی که از بندگان گرفته تحصیل

آگاهی به قسمتی از قرآن واجب،

وَ مُوسَّعٍ عَلَى الْعِبَادِ فِي جَهْلِهِ، وَ بَيِّنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرُضُهُ،

و دانستن رموز برخی دیگر از آیات لازم نیست، وجوب احکامی در قرآن معین،

وَ مَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسْخُهُ، وَ وَاجِبٍ فِي السُّنَّةِ اخْذُهُ، وَ مَرَحَّصٍ فِي

ونسخ آن در حدیث روشن است، و قسمتی از مسائل اجرایش بنابر سنت واجب، و

ترکش بنابر قرآن آزاد است،

فِي الْكِتَابِ تَرَكُهُ. وَ بَيْنَ وَاجِبِ بَوْقَتِهِ، وَ زَائِلِ فِي مُسْتَقْبَلِهِ، وَ مُبَايِنٌ  
وجوب برخی از احکام تا زمانی معین ثابت، و پس از انقضاء مدت زائل شدنی  
است. بین گناهان کبیره

بَيْنَ مَحَارِمِهِ مِنْ كَبِيرٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ نِيرَانَهُ، أَوْ صَغِيرٍ أَرَصَدَ لَهُ غُفْرَانَهُ،  
که بر آن وعده عذاب داده، و معاصی صغیره که امید مغفرت در آن است تفاوت  
گذاشته،

وَ بَيْنَ مَقْبُولٍ فِي أَذْنَاهُ، مُوسَّعٍ فِي أَقْصَاهُ  
و میان آنچه اجرای اندکش مقبول، و ترک بسیاریش آزاد است فرق نهاده

وَ مِنْهَا فِي ذِكْرِ الْحَجِّ

### قسمتی از این خطبه درباره حج

وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ، يَرِدُونَهُ  
زیارت خانه خود را که قبله مردم قرار داده بر شما واجب نموده، که مشتاقان چون  
چهارپایان به آب

وَرُودَ الْأَنْعَامِ، وَ يَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَلُؤْلُوهَ الْحَمَامِ. جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عِلَامَةً  
رسیده به آن هجوم می کنند، و همانند کبوتران به آن پناه می برند. حج را نشانه  
خاکساری

لِتَوَاضِعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ، وَ ادْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ. وَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا  
در برابر عظمت، و اعتراف به عزت خداوندیش قرار دارد. شنوندگانی از عبادش را  
برگزید که

أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ، وَ صَدَّقُوا كَلِمَتَهُ، وَ وَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ،  
دعوتش را لَبیک گفتند، و سخن او را تصدیق نمودند، در آنجا که پیامبران او به  
عبادت برخاستند ایستادند،

وَ تَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ، يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ

و بین خود و فرشتگانی که گرداگرد عرش می گردند شباهت ایجاد کردند، در  
تجارتخانه عبادت او سودها

عِبَادَتِهِ، وَ يَتَبَادَرُونَ عِنْدَ مَوْعِدٍ مَغْفِرَتِهِ. جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى  
تحصیل می کنند، و بهوعده گاه مغفرت او شتابان روی می آورند. خدای سبحان  
کعبه را

لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا، وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا. فَرَضَ حَجَّهُ، وَ أَوْجَبَ حَقَّهُ،  
نشانه اسلام و حرم امن پناهندگان قرار داد. زیارتش را فرض، و حقش را لازم،  
وَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ  
و رفتن به سویش را بر شما واجب نمود، و اعلام کرد: «بر آنان که توانایی رفتن  
دارند زیارت بیت

«مَنْ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».  
واجب است، و آن که با روی گرداندن کفر ورزد بداند که خدا از او و همه جهانیان  
بی نیاز است».

 @Nahj\_al\_Balaagheh

[https://telegram.me/Nahj\\_al\\_Balaagheh](https://telegram.me/Nahj_al_Balaagheh)